



## روان شناسی خانواده

موسی باقری فر<sup>۱</sup>، احمد فضایی<sup>۲</sup>، زهره رحیمی<sup>۳</sup>، فرحناز کرد زابلی<sup>۴</sup>

۱. کارشناسی ارشد علوم تربیتی (گرایش روانشناسی تربیتی)

[bagheri\\_moosa@yahoo.com](mailto:bagheri_moosa@yahoo.com)

۲. کارشناسی علوم تجربی (گرایش آموزش و پرورش)

[bagheri\\_moosa@yahoo.com](mailto:bagheri_moosa@yahoo.com)

۳. کارشناسی ارشد علوم تربیتی (گرایش مدیریت آموزشی)، آموزش و پرورش

[ebrahimi.shahroodi@yahoo.com](mailto:ebrahimi.shahroodi@yahoo.com)

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی (گرایش مدیریت آموزشی)، آموزش و پرورش

[ebrahimi.shahroodi@yahoo.com](mailto:ebrahimi.shahroodi@yahoo.com)

### چکیده

تحقیق حاضر، جهت بررسی مشکلات خانواده از نگاه روانشناسی و راه حل های ممکن در رفع مشکلات به وجود آمده و جلوگیری از بروز به مشکل که بیشتر در نتیجه عدم اطلاع و عدم آگاهی زن و شوهر می باشد مطرح گردیده است. و مشکلاتی که این پدیده عدم آگاهی و شناخت لازم زن و شوهر نسبت به همدیگر باید داشته باشند بر روابط زناشویی می گذارد. در این مقاله به وجه مشترک خانواده و آموزش و پرورش و تقسیم بندی انواع خانواده ها و نگاهی گذرا به ویژگی های هر نوع خانواده پرداخته شده است. هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر نقش جامعه در بروز مشکلات خانوادگی و تاثیر آن بر کودک و مشکلاتی که این پدیده بر روابط کودک در روابط اجتماعی در محیط پیرامون می گذارد باعث می گردد که در انتخابات در زمینه های مختلف پیش روی ثبات قدم نداشته و لرزان و نامطمئن قدم بردارد. تحقیق حاضر به روش کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است و به صورت توصیفی، تحلیلی انجام گرفته است.

کلمات کلیدی: خانواده، جامعه، آموزش و پرورش، ازدواج، مرد و زن



#### مقدمه

دو نهاد خانواده و آموزش و پرورش، از عمده ترین نهادهای اجتماعی در هر جامعه به شمار می روند. وجه مشترک این دو نهاد از لحاظ کار کردی، تربیت و ارائه قواعد الگویی و هنجارهای اخلاقی و رفتاری مطلوب، جهت زیستن سعادت‌مندان در ابعاد فرعی و اجتماعی می باشد. فصل مشترک این دو نهاد، علاوه بر رشد تعالی معنوی و همچنین فراگیری ارزش های الهی و انسانی، آماده ساختن کودکان و نوجوانان جهت بر عهده گرفتن نقش های مختلف در جامعه است. (کوثری، ۱۳۸۵). استحکام بنیان خانواده و برقراری رابط صمیمانه بین اعضاء خانواده در قوانین اسلام، بر جستگی خاصی دارد. تمام دستورات و قوانین اسلام از قوانین خانوادگی گرفته تا قوانین اجتماعی و اقتصادی و معاملات و عبارات تا حدودیات همه و همه، هماهنگ با یکدیگر، بر این اصل مهم، صحه گذارده است. در میان قوانین اسلام برای نمونه موردی وجود ندارد که به نحوی این اصل غیرقابل انکار را، نقض نموده باشد. این، خود یکی از دلائل اعجاز قوانین اسلام به شمار می رود که با این همه قوانین گسترده از بدو تولد تا دم مرگ که تمام شوون زندگی انسان را در بر گرفته قانون وضع کرده است و در عین هماهنگی با هم بوده، از نظم محیرالعقولی در سراسر این ها دیده می شود. (حقانی زنجانی، ۱۳۷۴). وحدت و یکپارچگی خانواده موضوعی است که امروزه مورد تأکید بسیاری از روانشناسان، جامعه شناسان، محافل بین المللی و سازمان های دولتی و غیر دولتی قرار دارد. روانشناسان خانواده رابه پرنده ای تشبیه می کنند که توانایی ها و امکانات مخصوص به خود را دارد و پدر و مادر به منزله بالهای این پرنده هستند که پرواز آن را ممکن می سازند، در این حالت پرواز پرنده متکی به تعادل قدرت هر دو بال است و بدون این برابری و وحدت، خانواده به حداکثر دستاوردهای بالقوه خود دست نخواهد یافت. متأسفانه بر اهمیت نقش پدر در خانواده و اثر او در رشد ذهنی و بالندگی فرزندان آنطور که باید تأکید نشده است. قبل از جنگ جهانی دوم خانواده مرکز فرماندهی مرد یا زن و بخصوص مرد بود و زن و شوهر در اداره خانواده نقش برابر نداشتند. بعد از تحولات جنگ، در غرب به ویژه در ایالات متحده آمریکا، خانواده هایی به وجود آمدند که خودمحموری و افراط در طلب خواسته های شخصی را مقدم بر بنیان خانواده قرار دادند و به وجود آمدن و گسترش چنین خانواده هایی سبب شد که افراد خانواده به خواسته های خود بیش از وحدت خانواده اهمیت دهند و نتیجه این امر سستی بنیاد خانواده و در نهایت تزلزل و فروپاشی آن بود. همچنین سیر تحول قوانین در اروپا و آمریکا به نحوی بود که سرپرستی کودکان اغلب به مادران سپرده می شد و این خود نقش پدر در رشد و سلامت روان فرزندان را بیشتر به بوته فراموشی می سپرد. در چند دهه اخیر، روانشناسان و دیگر علاقمندان به مبحث رشد و تربیت کودک لزوم بازنگری در نقش والدین و بخصوص نقش پدر در خانواده را احساس کرده اند و این خود آنها را بر آن داشته است که به تحقیقات بیشتری در این زمینه بپردازند. (زمردیان، ۱۳۷۹). نقش خانواده و تربیت خانوادگی در رشد و تربیت فرزندان آنها بسیار موثر است؛ تا حدی که اغلب فعالیت های جامعه از نظر تربیتی و آموزشی، بر اساس معیارهای خانوادگی شکل می گیرد. خانواده بسان یک جامعه کوچک می تواند با توجه به میزان حضور فرزندان در منزل و در کنار افراد خانواده نقش بسیار مهمی را در آموزش و تربیت آنها داشته باشد؛ بطوری که یک کودک یا نوجوان در طول یک شبانه روز ۴ تا ۶ ساعت را در اختیار مدرسه و مربیان بوده و بقیه اوقات را در خانه و اجتماع سپری می کند. پس باید در محیط خانواده جوی را بوجود آورد که اهداف جامعه ایده آل کوچک شود و در خانواده اجرا گردد؛ یعنی خانواده ها در جهت اهداف جامعه اسلامی، دارای یک سری اطلاعات و آگاهیها باشند تا بتوانند فرزندان شان را بر اساس نیازهای جامعه اسلامی تربیت کنند. (بیگلو، ۱۳۸۰). قوانین حاکم بر جهان هستی از گردش زمین و ماه و ستارگان تا قوانین فیزیکی و شیمیایی و ریاضیات همه رهگشای شیوه زندگی انسانهاست. و هرچه بشر بر این قوانین بیشتر واقف شده، در بهتر زیستن خود را یاری رسانده است. با عنایت به اینکه بر هر یک از قوای زیستی، روحی، روانی، فکری، عقلی، عاطفی و اجتماعی انسان نیز قوانینی خاص حاکم است، لذا بدون شناخت و توجه به این قوانین، زیست جسمی، روانی انسان با مخاطراتی مواجه خواهد بود. بر والدین است تا جهت شناخت و تربیت فرزندان خود از تحقیقات و تجربیات و یافته های روانشناسان و متخصصان تعلیم و تربیت بهره گرفته و شیوه صحیح تربیت فرزندان خود در هر دوره سنی، کودکی، نوجوانی و جوانی را بر اساس این یافته ها و نتایج مطالعات و تحقیقات اتخاذ نموده و در جهت پرورش انسانی کامل و با شخصیتی متعادل در همه زمینه های جسمی و عاطفی و عقلی و اجتماعی و اخلاقی و دینی کوشا باشند. (ادیبی، ۱۳۸۲). وحدت و یکپارچگی خانواده موضوعی است که امروزه مورد تأکید بسیاری از روانشناسان، جامعه شناسان، محافل بین المللی و سازمان های دولتی و غیر دولتی قرار دارد. روانشناسان خانواده رابه پرنده ای



تشبیه می کنند که توانایی ها وامکانات مخصوص به خود را دارد و پدر و مادر به منزله بالهای این پرنده هستند که پرواز آن را ممکن می سازند، در این حالت پرواز پرنده متکی به تعادل قدرت هر دو بال است و بدون این برابری و وحدت، خانواده به حداکثر دستاوردهای بالقوه خود دست نخواهد یافت. متأسفانه براهمیت نقش پدر در خانواده و اثر او در رشد ذهنی و بالندگی فرزندان آنطور که باید تأکید نشده است. قبل از جنگ جهانی دوم خانواده مرکز فرماندهی مرد یا زن و بخصوص مرد بود و زن و شوهر در اداره خانواده نقش برابر نداشتند. بعد از تحولات جنگ، در غرب به ویژه در ایالات متحده آمریکا، خانواده هایی به وجود آمدند که خودمحوری و افراط در طلب خواسته های شخصی را مقدم بر بنیان خانواده قرار دادند و به وجود آمدن و گسترش چنین خانواده هایی سبب شد که افراد خانواده به خواسته های خود بیش از وحدت خانواده اهمیت دهند و نتیجه این امر سستی بنیان خانواده و در نهایت تزلزل و فروپاشی آن بود. همچنین سیر تحول قوانین در اروپا و آمریکا به نحوی بود که سرپرستی کودکان اغلب به مادران سپرده می شد و این خود نقش پدر در رشد و سلامت روان فرزندان را بیشتر به بوته فراموشی می سپرد. در چند دهه اخیر، روانشناسان و دیگر علاقمندان به مبحث رشد و تربیت کودک لزوم بازنگری در نقش والدین و بخصوص نقش پدر در خانواده را احساس کرده اند و این خود آنها را بر آن داشته است که به تحقیقات بیشتری در این زمینه بپردازند. (زمردیان، ۱۳۷۹).

### ضرورت و اهمیت تحقیق

اهمیت خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی مسأله ای غیر قابل تردید است. تأثیر خانواده در تربیت فرزندان و نقشهای مهم آن در جنبه های سازندگی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی، عاطفی بسیار مهم و عظیم است. والدین در فرزندانشان اثر فوق العاده دارند. یکی از بابت این که آنان ناقلان صفات ارثی به کودک خویشند و با توجه به ثبات آن آثار کودکان در طول عمر عاری و یا گرفتار خواهند بود. در مورد اهمیت خانواده در تربیت کودک باید گفت که خانواده، کلاس اول زندگی و پرورش کودک است. طفل مبانی زندگی را در آنجا فرا می گیرد و خوب و بد امور را از آنجا می آموزد و این امر تا حدی است که کفر و ایمان کودک را هم شامل می شود. زندگی خانواده ای مقدمه ای است برای ورود به زندگی اجتماعی و انجام وظائف عمومی است و اهمیت آن تردید نا پذیر است. خانواده خوب بهترین آموزشگاه است. آموزشگاهی که کودک در آن لبخند می زند و قهر می کند، درستی و خوش خلقی، خود داری و بردیاری، تعادل و تکامل، خدمت و وظیفه شناسی و... می آموزد. به جامعه بشری از طریق آن راه می یابد و با آنها بر اساس اصل انسانی رفتار می کند. برعکس خانواده نامناسب، بدترین مدرسه ای است که طفل در آن درس ترشروی، کین و انتقام، نادرستی و نابکاری، جنایت و درویی و... را یاد می گیرد. اهمیت خانواده از سوئی دیگر اینکه فرزندان خانه را پناهگاه و محرم اسرار خود می دانند و کودک بدون ملاحظه، خواسته ها و رازهای خود را با آنها در میان می نهد در حالی که چنین رابطه صمیمی را برای دیگران حتی معلمان قائل نیست. به همین خاطر خانواده را از عوامل مهم و موثر در رفتار می توان ذکر کرد و به گفته یکی از دانشمندان، از اولین و با دوام ترین عاملی که در شخصیت و رفتار کودک اثر می گذارد خانواده می باشد. (بیگلو، ۱۳۸۰). کودکی که به دنیا می آید دارای کامل ترین و عالی ترین امکانات رشدی است و آمادگی و ظرفیت آنرا دارد که به بهترین وجهی پرورش یافته و برترین کمالات را پیدا کند. کافی است سالم به دنیا بیاید و خانواده و محیطی مناسب در اختیارش قرار گیرد. محیط مناسب را پدر و مادر بوجود می آورند، همه انسان ها خوب به دنیا می آیند هیچ انسانی جانی، شرور و یا معتاد و پر خاشگر متولد نمی شود در درجه اول ما پدر و مادرها هستیم، که انرژی نهفته در وجود کودک را شکوفا کرده جهت و خط می دهیم. ما غالباً فرزندان خود را به دلیل خطاها و ناسازگاریهایشان محکوم می کنیم و به باد ناسزا و تنبیه می گیریم و فراموش می کنیم که خطاها و ندانم کاریهای خودمان را دلیل بروز مشکلات آنان بدانیم چه بسیار کارها که، برعکس انجام می دهیم. (ادیبی، ۱۳۸۲).

کودک از لحظه ی شیر خوارگی، متأثر از خانواده است و در بزرگسالی این تأثیر، پیچیدگی خاص خود را پیدامی کند، اما هرگز آدمی قادر به انفکاک از این سیستم نمی باشد و نمی توان به مسائل خود او به صورت فردی نگریست، ابعاد مختلف خانواده به طریقی گوناگون می توانند فرد را متأثر سازد، خانواده بعنوان نهادی که زمینه و بستر آموزش و رشد روانی فرزندان را فراهم می سازد، نقش بسزایی در وضعیت روانی فرزندان دارد. خانواده به عنوان مجموعه ای که قوانین و رسوم عملکردی خود را دارد، از اعضای تشکیل شده که به گونه



ای پویا و مرتبط به یکدیگر وابسته اند و به همین علت نیز رفتارشان به صورت کاملاً مجزا از کل سیستم خانواده قابل بررسی نیست. (کوثری، ۱۳۸۵). انسان خودمعیاروملاک موفقیت خود را تعیین می کند، در تعیین معیارملاک موفقیت جامعه والگوما موثر می باشند. به حکم تاریخ هر جا اشخاص و تمدن ها باهم هماهنگ بوده و از اصول متعالی استفاده کرده اند به موفقیت رسیده اند و هر آینه که از اصول فاصله گرفته اند با ناکامی و نامرادی روبرو گردیده اند. به عبارت دیگر توانایی هر جسمی به میزان اراده شخص است و یادار اصطلاح «خواستن توانستن است». این جمله ارزشمند که نزدیک به چهار صد سال پیش گفته شده است، امروزه در روانشناسی کاربردی، زیربنای بسیاری از نظریات است. امام علی (ع) به ما می آموزد که مبادا در کارهایی که انجام می دهید از سرانجام امور، باور منفی و نادرستی داشته باشید، که اگر دارای باوری منفی باشید، شکست خواهید خورد و به نتیجه مثبت نخواهید رسید. (محمدی، ۱۳۸۳).

### یافته ها

صاحب نظران معتقدند: (( خانواده از نخستین نظامهای نهادی عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندیهای حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارد و از همه نهادهای اجتماعی، طبیعی تر و خودی تر است. )) (شرفی، ۱۳۷۳). خانواده بنیادی ترین واحد اجتماعی است که تشکیل شده از یک تعداد افرادی که با هم روابطی دارند و این روابط مبنای یک سری تعلقات و حقوق و غیره است. از نظر اجتماعی و جامعه شناسی، خویشاوندی بیشتر در ارتباط و نحوه ارتباطات اجتماعی است که بین اعضاء خانواده به وجود می آید. خویشاوندی عبارت است از مجموعه ای از افراد که عمدتاً بر اساس قرابت سببی و یا نسبی یکدیگر پیوند دارند و روابط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و عاطفی خاص، آنها را با یکدیگر مرتبط می سازد این گروه یا شبکه تابع سنت هاست. و یا خانواده عبارت است از یک واحد اجتماعی، ناشی از ازدواج زن و مرد و فرزندان که با هدف و منافع مشترک که زیر یک سقف زندگی می کنند. اسلام خانواده را متشکل از افرادی می داند که دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی هستند که هسته اول آن، از ازدواج مشروع زن و مرد می باشد. (بیگلو، ۱۳۸۰). تعریف زندگی، کاری است، نه آسان و نه غیرممکن. چنین تعریفی، هرگز پایانی ندارد. زیرا به تعداد آحاد بشر، تصویری از زندگی وجود دارد. زندگی برای هر فرد، در شکل خاص خود ظاهر می شود. در برابر ما دیدگانمان، تنوع بی شماری از دشواری و آسانی رخ می نماید و ما بر حسب تجربیات و پیشداوریهای خود، وقایع زندگی را تفسیر و تعبیر می کنیم. ضرب المثل حکیمانه ای نیز وجود دارد که می گوید: (( آنچه که در زندگی مهم است، فقط حادثه نیست بلکه نحوه مواجهه افراد با حادثه هاست. )) (شرفی، ۱۳۷۳).

### تاریخچه

روان شناسی یک رشته علمی نسبتاً تازه است. رشته روان شناسی در سال ۱۸۷۹ به وسیله ویلهلم وونت<sup>(۱)</sup> (۱۹۲۰-۱۸۳۲) پی ریزی شد. او در این سال، نخستین آزمایشگاه رسمی روان شناسی را در دانشگاه لایپزیک آلمان<sup>(۲)</sup> تاسیس کرد. از آغاز قرن بیستم، واژه «مسئولیت» در فلسفه، جامعه شناسی، حقوق و روانشناسی به کار رفته است. (بیرهوف، ۱۳۸۳).. روان شناسی در ایران، تحت عنوان علم النفس یا اخلاق، از قرنهای پیش مورد توجه بوده است و دانشمندان مثل، فارابی، ابن سینا، و ملاصدرا هر یک به نوعی از علم النفس صحبت کرده اند. اما روان شناسی علمی، به صورتی که امروزه مطرح است، پس از تأسیس دانشگاه تهران، دانشسراهای مقدماتی و دانشسرای عالی (دانشگاه تربیت معلم فعلی) گسترش می یابد. دکتر علی اکبر سیاسی، که او را پدر روان شناسی جدید ایران می دانند، به همراه دکتر هوشیار، روان شناسی جدید را پایه ریزی کردند. کتاب دکتر سیاسی به نام علم النفس یا روان شناسی از لحاظ تربیت و کتاب دکتر هوشیار تحت عنوان سنجش هوش یا روان شناسی علمی، هر دو در سال ۱۳۱۷ انتشار می یابد. دکتر سیاسی، روان شناسی جدید را با روان شناسی سنتی ایران پیوند می دهد و دکتر هوشیار نتایج آزمایشهایی را شرح می دهد که در آزمایشگاه روان شناسی دانشکده ادبیات تهران انجام داده است. با این همه، شکوفایی روان شناسی جدید در ایران پس از ۱۳۴۰ مشاهده می شود. زیرا تا آن زمان روان شناسی بخشی از برنامه های رشته فلسفه و علوم تربیتی یا بخشی از دوره های تربیت آموزگار و دبیران تشکیل می داد. طی دهه ۱۳۴۰ روان شناسی،



به صورت رشته جداگانه ، ابتدا دردانشگاه تهران بعددردانشگاهها دایمی شود. این موفقیت بیشتردراثرتلاش های دکتر محمودصناعی به دست می آید.خدمت بزرگ ایشان به روان شناسی این است که کتاب اصول روانشناسی ، اثرنرمال ، مان ، را به سال ۱۳۴۱ ، به فارسی برمی گرداند. (گنجی ، ۱۳۸۳).

### ازدواج اول و ازدواج دوم

معمولاً گفته شده است ازدواج اول با قلب است و ازدواج دوم با مکث همراه می باشد. نابود کننده ترین چیز برای عشق قیافه یکسان و همیشگی است. خانم ها ، بدانند: هر چند سال سعی کنید قیافه خود را تغییر دهید رنگ موهای خود را عوض کنید و طرز آرایش موها را تغییر دهید و برخی از جزئیات توالت خویش را عوض کنید. اغلب جالب بودن زن وشوهر رفته رفته ممکن است کم و زیاد شود و این مربوط به رفتار هر یک از آنان است اغلب دختران به محض انجام مراسم نامزدی با دقتی هر چه تمام تر به ظاهر خود رسیدگی می کنند و به آرایش خود توجه بیشتری دارند و عشوهِ گری آغاز می کنند ولی پس از عروسی در کارهای خود غرق می شوند و توجهی به ظاهر خود نمی کنند و به سرعت جذابیت خود را از دست می دهند، در ابتدای زندگی مشترک میل متقابل شدیدی وجود دارد ولی اگر زن در خانه بی مبالا و شلخته بوده و با خشونت با شوهرش گفتگو کند و با او بحث و مجادله بپردازد گمان نمی رود این میل مدت عدیدی باقی بماند و اگر شوهر نیز عربده مستانه آغاز کند و هفته ها ریش خود را نتراشد و به نظافت خود نپردازد نمی تواند توقع احساس متقابل داشته باشد، مارتین لوتر می گوید هرکس ممکن است آدم بزرگی محسوب شود و برای بشریت خدمت بزرگی انجام دهد ، برای خدمت به جامعه ضروری نیست که شما حتماً مدرک دانشگاهی یا تحصیلات عایه داشته باشید لازم نیست دانش افلاطون یا ارسطو را داشته باشید هم چنین لازم نیست شما فرضیه نسبیت انشتاین را بدانید چیزی که ضروری و مهم است قلبی پر مهر است ، قلب لبریز از عشق و محبت.(علی محمدی ، ۱۳۸۶).

### وجه مشترک خانواده و آموزش و پرورش

دو نهاد خانواده و آموزش و پرورش ، از عمده ترین نهادهای اجتماعی در هر جامعه به شمار می روند. وجه مشترک این دو نهاد از لحاظ کار کردی ، تربیت و ارائه قواعد الگویی و هنجارهای اخلاقی و رفتاری مطلوب ، جهت زیستن سعادت‌مندان در ابعاد فرعی و اجتماعی می باشد. فصل مشترک این دو نهاد ، علاوه بر رشد تعالی معنوی و همچنین فراگیری ارزش های الهی و انسانی ، آماده ساختن کودکان و نوجوانان جهت بر عهده گرفتن نقش های مختلف همچون : **نقش های خانوادگی** ( مانند: نقش های پدری، مادری ، فرزند و ... ) **نقش های اجتماعی** (مانند: شهروندی مطلوب و فعال در امر مشارکت اجتماعی ) **نقش های اقتصادی** (مانند: نیروی اقتصادی مؤلد و کارا) **نقش های فرهنگی** (مانند: پایبندی به آرمان ها و ارزش های معنوی ) **نقش های سیاسی** ( مانند : مشارکت فعال در فعالیت های سیاسی و تصمیم

گیری جمعی ) در جامعه است. شرط لازم جهت ایفای مطلوب نقش های مذکور ، فراگیری درونی وظایف مربوط به هر یک از نقش هاست.فراگیری و به تعبیر دیگر آموزش ، توسط عوامل رسمی و غیر رسمی ، به صورت مستقیم و غیرمستقیم صورت می گیرد. کودکی که پا به عرصه حیات می گذارد ، قبل از آنکه به مدرسه گام نهد ، قواعد و الگوهای رفتاری خود را از طریق تقلید و آموزش مستقیم والدین ، اطرافیان ، همسایگان و کسانی که به نحوی با او در تعامل هستند ، یاد می گیرد. همچنین به صورت غیر مستقیم ، تحت تأثیر آموزش وسایل ارتباط جمعی ، ( مانند: تلویزیون ، رادیو ، مطبوعات ، سینما ، تئاتر و ..... ) قرار دارد.بعد از این مرحله مهم اجتماعی شدن او شروع می شود و در این مرحله : نظام آموزشی ، قواعد ، مقررات ، تجهیزات و امکانات آموزشی ، رسالت ارتقا و رشد شخصیت انسانی او ، انتقال تجارب و یافته ها و دانش های نسل پیشین را بر عهده می گیرند.با وارد شدن فراگیر به مدرسه ، علاوه بر نقش اولیاء سهم نظام آموزشی نیز در امر تعلیم و تربیت دانش آموزان به شدت افزایش می یابد ، به طوری که نوباوگان بیش تر تحت تأثیر : معلم ، محتوای آموزشی و محیط مدرسه قرار می گیرند. ضمن آن که سهم محیط آموزشی و وسایل ارتباط جمعی نیز در امر آموزش و پرورش آنان را نباید نادیده گرفت.اما سهم عمده در این میان ، بلاخص در امر آموزش عمومی فراگیر ، بر عهده خانواده و مدرسه می باشد. این دو نهاد در مجموع ، سهم بسزایی در سالم سازی محیط اجتماعی و روابط انسانی و تحکیم خانواده بر عهده



دارند. موقعی این دو نهاد تعلیم دهنده و تربیت کننده در انجام رسالت خود موفق خواهند بود که ، با یکدیگر هماهنگ بوده و بتوانند تکمیل کننده و بر طرف کننده ی نقایص اجتماعی یکدیگر باشند. پس از گذشت ۸ سال از پیروزی انقلاب اسلامی ، انجمن اولیاء و مربیان با جمع بندی از : مسائل ، مشکلات و تجارب حاصله ، در سال ۱۳۶۵ آموزش اولیاء و مربیان را به عنوان یکی از ضرورت های بنیادی جهت دستیابی به هدف هماهنگی خانواده و مدرسه در امر تربیت ، در دستور کار خود قرار داد. (کوثری، ۱۳۸۵).

### نمودار زندگی مشترک

بسیاری از روانشناسان ما زندگی انسان ها را البته کسانی که در زندگیشان بیشتر مشکل دارند را به صورت زیر تشریح کرده اند: قبل ازدواج : عزیزم من بی تو می میرم . این یک ساعتی که نبودی برای من یکسال گذشت خواهش می کنم دیگه ترکم نکن! دوران نامزدی : ای تو محبوبترین محبوب ها ! ای زیباترین موهبت الهی ! ای ادامه حیات ! نمی دانم اگر فردا تو نباشی من فردای آن روز را خواهم دید. دوران اوایل زندگی : عزیزم شام داریم ؟ یا باید از همسایه خوبمان ، رستوران لوکس غذا بخرم ! لباسم را که نشستی اشکال نداره اتوشویی هم باید نون بخوره. دو سال بعد ازدواج : خانوم من حوصله مهمون های شما رو ندارم یعنی از خواهرت با اون شوهر پر مدعایش نفرت دارم من میرم خونه مامانم شب هم نمی یام. پنج سال بعد ازدواج : دیگه از دست تو دیونه شدم ، اون از دست پختت که همیشه شفت پلو می پزی ! این هم وضع خونه و زندگیمونه ، همش پای تلفن می شینی با آجی جونت از مد لباس و کلاس های لاغری حرف می زنی دیگه طاقت ندارم. هشت سال بعد: طلاق !!!!!!!!!!!!!!! طلاق. (علی محمدی ، ۱۳۸۶).

### تیپ های خانواده

خانواده ها را از حیث کیفیت روابط درونی و میزان استحکام آنها می توان به سه تیپ تقسیم نمود که هر یک ویژگیها و مفاهیم خاص خود را داراست. این تیپها عبارتند از: **خانواده متزلزل ، خانواده متعادل ، خانواده متکامل** .

**خانواده متزلزل:** ویژگی های خانواده متزلزل؛ از هدف اصلی خویش بازمانده ، آرمانش را از دست داده است. این نوع خانواده از درون تهی گشته ، با هر ضربه ، بیشتر میریزد، از روابط خصمانه و غیر دوستانه آکنده است. در این نوع خانواده ، مسئولیتها به کنار رفته ، ((وانهادگی)) بر آنها حاکم است. در خانواده متزلزل ، مدیریت ، تجزیه شده ، تصمیم گیری در آن به غایت دشوار است. فردای روشن و آینده ای امید بخش وجود ندارد. همچنین جاذبه ای مکفی برای پابندی اعضای آن به میثاق زندگی مشترک ، وجود ندارد. در این نوع خانواده ، انتقادهای به شکلی ظالمانه ، مستقیم و مستمر توسط اعضای آن از یکدیگر به عمل می آید.

**خانواده متعادل و متکامل :** در همه زمینه های مختلف علاوه بر این که به یک آرامش رسیده اند باعث رفع مشکلات دیگران نیز می شوند و گرفتاریها و نارحتی های آنها را تا حد امکان رفع می کنند. (شرفی ، ۱۳۷۳).

### انواع خانواده

خانواده در جوامع و فرهنگهای مختلف دارای الگوهای متفاوتی است ولی از نظر جامعه شناسان ، خانواده به این شرح است:

- **خانواده درون همسری و برون همسری:** که منظور از درون همسری ، یعنی انتخاب زن از خویشان و خاندان خود ، ولی برون همسری یعنی ازدواج با غیر خویشان و فامیلهای خود.
- **خانواده هسته ای و خانواده گسترده:** خانواده گسترده یعنی پسران وقتی ازدواج کردند در همان خانه و محل زندگی باقی بمانند حتی نوه ها و نتیجه ها ، ولی خانواده هسته ای ، همان خانواده امروزی است که پسران پس از ازدواج ، در یک خانه و کاشانه غیر پدری زندگی خود را ادامه می دهند.
- **خانواده چند همسری و تک همسری :** که منظور مشخص می باشد چند همسری یعنی چند زنی و تک همسری یعنی فقط یک زن داشتن .
- **خانواده پدر سالاری و مادر سالاری:** خانواده پدر سالاری یعنی قدرت به تمام و کمال در اختیار پدر باشد . خانواده مادر سالاری یعنی قدرت به تمام و کمال در دست زن باشد . (بیگلر ، ۱۳۸۰).



## نتیجه گیری

خانواده بنیادی ترین واحد اجتماعی است که تشکیل شده از یک تعداد افرادی که با هم روابطی دارند و این روابط مبنای یک سری تعلقات و حقوق و غیره است. از نظر اجتماعی و جامعه شناسی، خویشاوندی بیشتر در ارتباط و نحوه ارتباطات اجتماعی است که بین اعضاء خانواده به وجود می آید. خانواده موفق، خانواده ای است که زن و شوهر از حداقل سلامت روانی جسمی برخوردار باشد. خانواده ای که تطابق عاطفی و هیجانی بیشتری برخوردار باشند یعنی دارای شخصیتی خوش بین، قابلیت همکاری و احساس همدردی باشند زندگی برایشان نشاط آور خواهد بود و فرزندان در سایه این تطابق، از تربیت صحیح، برخوردار خواهند بود. خانواده ای که وضع تشابهی از جهات عادات، رفتار و علائق مشابهی دارند و از نظر مذهبی، فرهنگی، نژادی و موقعیت اقتصادی اختلاف ندارند، میزان پایداری و موفقیت خانواده تضمین می شود. از ارکان مهم بقاء صمیمیت در محیط خانواده، اصل «هماهنگی» و «تفاهم» در شئون مختلف زندگی زناشویی است چنانکه تنفر و انزجار یکی از طرفین یا هر دو، عامل مخرب بنیان خانواده هاست و بسیار بجا است که در این عامل مهم و علا و اسباب بروز آن بررسی بیشتری کرده، جوانب آن مورد رسیدگی کامل قرار گیرد تا در نتیجه در رفع آن کوشش وافر و بعمل آید. بدیهی است که تنفر گاهی بسیار ابتدائی و سطحی بوده، اغماض و گذشت و تصور ناگواریهای انحلال خانواده به تنهایی در رفع آن کافیه است، و این نوع تنفر ممکن است با یک مخالفت جزئی یا عقیده و یا عمل زن یا شوهر در دل یکی از آنها پدید آید مثلاً "زن مایل است در روز و شب مخصوصی به مهمانی برود و شوهر با آن مخالفت می کند و یا بلعکس این نوع اختلاف چون عمیق و ریشه دار نیست چه بسا با رفع عامل آن در اثر اغماض و گذشت و تغییر عقیده و غیر آن از بین برود و محبت و صمیمیت جایگزین آن گردد. برای داشتن زندگی خوب و آرام بخش بیش از هر چیز عشق و علاقه مهم است چیزی که بنیانگذار یک خانواده و تشکیل دهنده یک جامعه و کشور است، بسیاری از ما انسان ها هنوز چگونگی ابراز علاقه و محبتمان را نمی دانیم و همین امر باعث بوجود آمدن فاصله ها و گاهی جدایی میان خانواده ها می شود، در صورتی که بسیاری از ما همسرانمان را دوست داریم ولی شیوه ابراز آن را نمی دانیم و یا حتی خجالت می کشیم آن را بیان کنیم. خانواده امن ترین و بی خطر ترین مکانی است که می توانید داشته باشیم و باید خود را از احساسات واهی و خیال پردازی دور کنیم و کنترل خود را در اختیار چیزهای زود گذر نگذاریم، لازمه زندگی خوب و سالم مقابله با ترس هاست، هنگامی که آموختیم چگونه با زندگی مبارزه و با ترس های خود مقابله کنیم این امر باعث آرامش ذهن می گردد زیرا می دانید می توانید از عهده کارهای آینده تان برآید. همسر گزینی، ازدواج، تشکیل خانواده، فرزند تربیت او، همه مراحل از امتحان بزرگ الهی است که یکی پس از دیگری از راه می رسند و آدمی با کوله بار معرفت و اختیار، چنگ در ریسمان توکل الهی می زند تا به اوج قله های پرغرور تکامل قدم نهد و خود را برکشد تا در نهایت راههای پر پیچ و خم زندگی، مقام والای (( و رضوان من الله اکبر)) را احراز نماید. اداره زندگی مشترک و تدبیر نیکوی خانواده، همچون سایر امور نیازمند دانش کافی، دل آگاهی و بصیرت است. موفقیت در این حوزه، مجاهدت و سعی وافر می طلبد، تا بتواند با رقه های هدایت الهی را به سوی خود جذب کند. به طور اجمال باید به جوانانی که در صدد ازدواج و تشکیل کانون خانواده هستند، نوید داد که عوامل موفقیت در زندگی، بر اصول و قواعد علمی و اخلاقی مبتنی است و چنانچه این قواعد را به درستی بشناسیم و پایه های زندگی مشترک را بر آنها بنا کنیم، زندگی ما قرین سعادت و شادکامی خواهد بود. یافته های روان شناسی و علوم تربیتی، معرض با قواعد اخلاقی و فطری بشر نیست، زیرا این یافته ها از متن طبیعت بشری، استخراج شده است و منطبق با تعالیم اسلام و معنویت می باشد. لذا با رهاندن فکرها از نفوذ پدیده هایی نظیر بخت و اقبال، با مؤلفه های دانش ( معرفت خانواده و زندگی ) و ارزش ( معیارها و قواعد اخلاقی ) و توکل به خدا، باید با دلی سرشار از امید و ذهنی آکنده از معرفت و قلبی مالامال از عشق به خدا به استقبال زندگی مشترک رفت و مرحله ای جدی و تعیین کننده را در تکامل حیات روانی و معنوی آغاز



نمود بدون شک ، همه افراد در پی دست یافتن به الگوی خانواده ای متعادل هستند و با این انگیزه به ازدواج روی می آورند. به طوری که طبیعت ، برای صاحبان بصیرت ، درس آموز است و خود یک مکتب الهامبخش و برانگیزاننده می باشد. اگرما با الهام از طبیعت به ویژگیهای خانواده متعادل دست یابیم در این صورت ، نه تنها مشکلی نخواهیم داشت و از تعادل لازم برخوردار خواهیم شد بلکه (مشکل زدا) نیز می شویم و در رفع آسیبهای روانی و اجتماعی سایرین و خانواده های وابسته گام خواهیم نهاد. با امید به موفقیت همه راهیان مصمم و پرتلاش در این راه.

#### سپاسگزاری

از کسانی که در تهیه این مقاله بامن همکاری کردند نهایت سپاسگذاری را دارم. علی الخصوص همسرم که بانسستن طولانی در پشت سیستم و مراجعه به کتابخانه ای مختلف سطح شهرزاهدان جهت یافتن منابع کمتر در جمع خانوادگی حضورداشتم کمال تشکر را دارم. از کارکنان کتابخانه امام حسین(ع) که نهایت همکاری را در تهیه کتب مورد نیاز بامن داشتند متشکرم.





## مراجع

۱. ادیبی، شهاب‌الدین. ۱۳۸۲. روان‌شناسی ارتباط والدین با فرزندان. چاپ اول. اصفهان، انتشارات چهارباغ،
۲. بیرهوف، هانس ورنر، ۱۳۸۳. رفتارهای اجتماعی مطلوب از دیدگاه روان‌شناسی؛ مترجم: رضوان صدقی نژاد، چاپ اول، تهران. انتشارات گل‌آذین.
۳. پارک، راس؛ دی. ۱۳۷۹. مهرپدیری از دیدگاه روان‌شناسی. ترجمه: زهرا زمردیان باهمکاری فریده طاهری، چاپ اول؛ بهار، کتابخانه ملی ایران، انتشارات بعثت.
۴. حسن بیگلو، بهروز. ۱۳۸۰. روان‌شناسی خانواده. چاپ اول، تهران، انتشارات سرآمد کاوش.
۵. حقانی زنجانی، حسین. ۱۳۷۴. طلاق یا فاجعه انحلال خانواده. چاپ چهارم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. شرفی، محمد رضا. ۱۳۷۳. خانواده متعادل. چاپ متوالی، زمستان، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۷. گنجی، حمزه. ۱۳۸۶. روان‌شناسی عمومی، ویرایش پنجم، نشر ساوالان، چاپ اول، تهران، انتشارات طیف نگار.
۸. کوثری، مجید. ۱۳۸۵. آموزش خانواده. چاپ اول، تهران، انتشارات اندیشه کامیاب.
۹. علی محمدی، فریبرز. ۱۳۸۶. خانواده و مشکلات نوجوانان و جوانان. چاپ اول، تهران، انتشارات راستین.
۱۰. محمدی، حیدر، ۱۳۸۳. تکنولوژی موفقیت، تلفیقی از روان‌شناسی کاربردی غرب و روان‌شناسی اسلامی، چاپ سوم، تهران. انتشارات مه‌تابان.